

خواندنی های پند آموز

ذوالنون مصری

آن پیشوای اهل سلامت، آن شمع جمع بهشتی، آن برهان مرتبت و معرفت توحید، سبب اهل و دین و ایمان او چنین بود، از راهی می گذشت ۱-

مردی را دید که خود را بر درختی آویزان کرده و می گفت ای تن طاعت من کن وگرنه از گرسنگی می میری ۲- **جوانی را دیدم** در صومعه کلیسا یک پا داخل کلیسا یک پا بیرون و بریده است و کرمان می خوردند، پرسید حال چیست؟ گفت که دل در گرو زنی که اینجا می گذشت کردم، صدا آمد که ای عابد **سی سال** خدا را عبادت کردی اکنون طاعت شیطان می کنی که **پا** را بریدم ۳- **مردی را دیدم** که زنبوران دور او می چرخیدند و بر او عسل می دادند گفتم ای مرد این چه سری است؟ گفت: **کسب حلال** می کردم اشتباهی کردم بعد از متوجه شدن گفتم **غذا نخورم** در این صحرا تا بمیرم که بعد از چهل روز این **زنبوران** آمدند و مرا عسل می خوراندند و زنده ام...

ذوالنون گفت این چیزها را دیدم و دانستم که هر که توکل به خدای عزوجل کند خدای تعالی کار او را بسازد و رنج او را ضایع نکند...

ذوالنون گوید روزی برای مسافرت بر کشتی نشستیم نیمه راه کرایه خواستند کرایه من کم بود گفتم که به مقصد رسیدم کار می کنم و اجرت را خواهم داد **بازرگانی** در کشتی بود گوهری از او گم شد چون من فقیر بودم همه اتفاق کردند که با تست و مرا می رنجانیدند من خاموش بودم، چون کار از حد بگذشت گفتم: **خدایا تو از اعمال بندگانت آگاهی ابرویم را حفظ کن** که بعد از آن هفت ماهی از دریا سر بر آوردند و هر یک **گوهری** در دهان گرفتند ذوالنون یکی را گرفت و بدیشان داد اهل کشتی چون چنان دیدند در پایش افتادند و زاری ها کردند و عذر خواستند.

لقمان حکیم

کسی خواست به سفر رود به لقمان گفت مرا پندی ده تا توشه ی سفر سازم . گفت: اگر یار خواهی تو را خدای عزوجل و اگر همراه خواهی، کرام الکاتبین و اگر عبرت خواهی دنیا و اگر مونس خواهی قرآن.

حرص

یکی از حکما گوید: در دوران بدبختی به شهری رسیدم، دیدم طبیبی به بیمارانش شیوه درمان می گفت، پیش رفتم و گفتم: خدا تو را ببخشد، بیماری مرا درمان کن. **طیب مدتی** مرا نگریست سپس گفت: **صبر و فروتنی** کن و از **حرص** بپرهیز.

بهلول

عابدی گوید: به یکی از گورستان ها رفتم، بهلول را در آنجا دیدم، گفتم: اینجا چه می کنی؟ گفت: با گروهی همنشینی دارم که **مرا نمی آزارند** و اگر از **یاد مرگ** با زمانم مرا آگاه کنند.

ابراهیم ادهم (رحمت الله علیه)

آن سلطان دین و دنیا، صدیق و متقی روزگار و مقبول همه بود. پروردگار عالم او را از در امتحان در آورد، سپس ندا آمد فلان روز در بصره خرما خریدی، خرمایی افتاد، پنداشتی که از خرمای تو افتاده است برداشتی و بر خرمای تو نهادی.... ابراهیم پیش خرما فروش رفت از او حلال خواست او حلال کرد.

خرما فروش چون ابراهیم را می شناخت گفت: چون کار به این باریکی است و اینقدر در فروشنده‌گی باید رعایت، من ترک خرما فروشی می کنم و دکان برانداخت که آخر الامر از جمله متقیان و صدیقان گردید.

حسن بصری

از حسن بصری پرسیدند: چگونه ای؟ گفت: نان این جهان می خورم و کار آن جهان می کنم.

شیطان

از شنیدن این جمله از انسان می گریزد، **لا حول ولا قوة الا بالله العظیم** (نیست نیرو و قوتی مگر خدای عزوجل)

هفت جاندار خدا آفرید که از شکم مادر بیرون نیامده اند

آدم ۲- حوا ۳- قربانی حضرت ابراهیم ۴- شتر صالح پیغمبر ۵- مار عصای موسی کلیم الله ۶- کلاغی که خدا فرستاد زمین را در برابر قابیل بکند تا برادرش را دفن کند ۷- ابلیس

خداوند متعال اسلام را بر هفت سهم تقسیم بندی کرده

صبر، راستی، یقین، رضا، وفا، علم، حلم. سپس آن را میان مردم پخش کرده و هر که هفت سهم را دریافت کرده ایمانش کامل است و تحمل دارد و پاره ای مردم یک سهم و پاره ای دو تا هفت سهم و امام ششم می فرماید: آنکسی که یک سهم یا دو سهم و یا سه سهم دارد با آن کسی که هفت سهم دارد مقایسه نکنید زیرا او با نداره فهم و سهم خود تشخیص داده و نباید انتظار بیشتر را از او داشته باشیم

شش اندرز از حضرت علی(ع)

بزرگترین گناه ترس است. بزرگترین تفریح کار است. بزرگترین شجاعت صبر است. بزرگترین اسرار مرگ است. بزرگترین افتخار ایمان است. بزرگترین سود فرزند نیک است.

شش خصلت است که مؤمن پس از مرگ هم از آنها سود می برد

امام ششم جعفر صادق فرمود: ۱- فرزند نیک ۲- قرآنی که از او بماند و تلاوت شود ۳- چاه آبی که کنده باشد ۴- درختی که کاشته ۵- راهی که وقف کرده باشد ۶- مسجدی بنا کند.

علم پنج درجه دارد

مردی به خدمت پیغمبر اکرم رسید گفت: علم چیست؟ فرمود: سکوت کردن، گوش دادن، حفظ کردن، عمل کردن، انتشار دادن برای دیگران.

شرح حال شیخ صدوق معروف به ابن بابویه

شیخ صدوق در سال ۳۱۱ هجری قمری یا پیش از آن در شهر قم به دنیا آمد و در سال ۳۸۱ در شهر ری وفات کرد. او از بزرگترین مردان علمی، دینی، مذهبی اسلام بوده و در بغداد، کوفه، نجف، مصر، نیشابور و بخارا که مرکز علمیه اسلام بوده تحصیل کرده و ۵۰ سال در غیبت کبری امام زمان (عج) بوده آرامگاهش در شهر ری معروف به ابن بابویه است.

شرح حال شیخ بهایی(بهاء الدین عبدالصمد)

محمد بهاء الدین ملقب به شیخ بهائی در سال ۹۵۳ در بعلبک لبنان بدنیا آمد. خردسال بود که با پدرش به ایران آمد و در محضر پدر که تمایلات صوفیان داشت دانش آموخت و در هرات سپس در مشهد زیست و در جهان سیر کرد سرانجام به ایران بازگشت و از مشاوران درگاه شاه عباس صفوی

شد در سال ۱۰۱۱ با شاه عباس پیاده از راه طیس سفر مشهد کرد تألیفات زیادی دارد که کتاب کشکول آثار معروف او می باشد. او مروّج مذهب شیعه در ایران شد. شیخ زنان شاه عباس را برای او صیغه می کرد (می خواند) او در سال ۱۰۳۰ در سن ۷۷ سالگی در مشهد درگذشت. آرامگاهش در خانه اش مدفن است.

شرح حال شیخ مفید

(تولد ۳۶۶ – وفات ۴۱۳) شب جمعه ماه مبارک رمضان در سن ۷۵ سالگی در بغداد زیر پای حضرت موسی بن جعفر(ع) موسی کاظم امام هفتم مدفون است. کتاب معروف این عالم فقیه دانشمند ارشاد است گویند که عالم و دانشمند وجود مبارک ولی عصر امام زمان را دیده که چون روزی در قضاوت اشتباه کرد دیگر فتوا نمیداد و پس از دیدن صاحب الامر بمسند فتوا نشست گویند سه خط شعر به خط مبارک امام عصر مرقوم است روی سنگ قبر او.

شرح حال شیخ عطار نیشابوری

شیخ عطار در قرن ششم در نیشابور می زیست و همانجا مدفن است. دارای ۱۰ پسر بود و در سفری ۹ تن از پسرانش بدست دزدان در پیش چشم او به قتل رسیدند و خود او در قتل عام قوم مغول در نیشابور بود که همه را از دم تیغ گذرانیدند بدست مغولان کشته شد(در قتل عام پانزده روز ماه صفر سال ۶۱۸) مذهب او تسنن بوده ابوبکر و عمر را ستوده و عشق به آنان داشته و همچنین به خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان، علی(ع) علاقه داشته) از آثارهای گرانبهای او تذکره الاولیاء معروف است.



يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ
مِّمَّا تَعُدُّونَ سَجْدَةٌ ۵

خدا مسائل زمین را از فضا اداره میکند و بعدها اوامر وی در هر شبانه روز معادل ۱۰۰۰ سالیکه شما میشمارید بطرف وی بر میگردد

آیه میگوید که اوامر خداوند در هر شبانه روز معادل هزار سالی که ما می‌شماریم به طرف خداوند در حرکتند منظور آیه از سالی که ما می‌شماریم سال قمری است که مربوط به گردش ماه به دور زمین است - ماه در سال ۱۲ بار به دور زمین می‌گردد و در هر ۱۰۰۰ سال ۱۲۰۰۰ بار به دور زمین می‌گردد مسافتی که ماه در ۱۲۰۰۰ بار گردش خود بدور زمین طی میکند $83134723/25$ بیلیون کیلومتر است.

یعنی اوامر خداوند در یک شبانه روز مسافت مزبور را طی میکند هر شبانه روز $0.9966/86164$ ثانیه است اگر مسافتی که اوامر الهی در شبانه روز طی میکند را بر ثانیه ها تقسیم کنیم سرعت حرکت اوامر الهی بدست می‌آید $83134723/25$ بیلیون کیلومتر تقسیم بر $0.9966/86164$ مساوی $458 / 299792$ میشود این همان سرعت اوامر الهی و یا همان سرعت نور است

لیلة القدر در نگاه علامه طباطبایی

مهم‌ترین مناسبت ماه مبارک رمضان، شب قدر است که همواره مورد توجه مؤمنین بوده و خواهد بود. آنچه در پیش روی دارید بحثی پیرامون شب قدر بر اساس نظرات مرحوم علامه طباطبایی رحمه‌الله در تفسیر شریف المیزان است که در دو سوره «قدر» و «دخان» مطرح گردیده است.

شب قدر یعنی چه؟

مراد از قدر، تقدیر و اندازه‌گیری است و شب قدر شب اندازه‌گیری است و خداوند متعال در این شب حوادث یک سال را تقدیر می‌کند و زندگی، مرگ، رزق، سعادت و شقاوت انسانها و اموری از این قبیل را در این شب مقدر می‌گرداند. شب قدر کدام شب است؟

در قرآن کریم آیه‌ای که به صراحت بیان کند شب قدر چه شبی است دیده نمی‌شود. ولی از جمع‌بندی چند آیه از قرآن کریم می‌توان فهمید که شب قدر یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان است. قرآن کریم از یک سو می‌فرماید: «انا انزلناه فی لیلة مبارکه.» (دخان

۳ /) این آیه گویای این مطلب است که قرآن یکپارچه در یک شب مبارک نازل شده است و از سوی دیگر می‌فرماید: «

شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن.» (بقره / ۱۸۵) و گویای این است که تمام قرآن در ماه رمضان نازل شده است. و در سوره قدر می‌فرماید: «انا انزلناه فی لیلة القدر.» (قدر / ۱) از مجموع این آیات استفاده می‌شود که قرآن کریم در یک شب مبارک در ماه رمضان که همان شب قدر است نازل شده است. پس شب قدر در ماه رمضان است. اما این که کدام یک از شب‌های ماه رمضان شب قدر است، در قرآن کریم چیزی بر آن دلالت ندارد. و تنها از راه اخبار می‌توان آن شب را معین کرد.

در بعضی از روایات منقول از ائمه اطهار علیهم السلام شب قدر مردد بین نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان است و در برخی دیگر از آنها مردد بین شب بیست و یکم و بیست و سوم و در روایات دیگری متعین در شب بیست و سوم است. (۱) وعدم تعین یک شب به جهت تعظیم امر شب قدر بوده تا بندگان خدا با گناهان خود به آن اهانت نکنند.

پس از دیدگاه روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام شب قدر از شب‌های ماه رمضان و یکی از سه شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم است. اما روایات منقول از طرق اهل سنت به طور عجیبی با هم اختلاف داشته و قابل جمع نیستند ولی معروف بین اهل سنت این است که شب بیست و هفتم ماه رمضان شب قدر است (۲) و در آن شب قرآن نازل شده است.

تکرار شب قدر در هر سال

شب قدر منحصر در شب نزول قرآن و سالی که قرآن در آن نازل شد نیست بلکه با تکرار سالها، آن شب نیز تکرار می‌شود. یعنی در هر ماه رمضان شب قدری است که در آن شب امور سال آینده تقدیر می‌شود. دلیل بر این امر این است که: اولاً: نزول قرآن به طور یکپارچه در یکی از شب‌های قدر چهارده قرن گذشته ممکن است ولی تعیین حوادث تمامی قرون گذشته و آینده در آن شب بی معنی است.

ثانیاً: کلمه «یفرق» در آیه شریفه «فیها یفرق کل امر حکیم.» (دخان / ۶) در سوره دخان به خاطر مضارع بودنش، استمرار را می‌رساند و نیز کلمه «تنزل» در آیه کریمه «تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر» (قدر / ۴) به دلیل مضارع بودنش دلالت بر استمرار دارد.

ثالثاً: از ظاهر جمله «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن.» (بقره / ۱۸۵) چنین برمی‌آید که مادامی که ماه رمضان تکرار می‌شود آن شب نیز تکرار می‌شود. پس شب قدر منحصر در یک شب نیست بلکه در هر سال در ماه رمضان تکرار می‌شود.

در این خصوص در تفسیر برهان از شیخ طوسی از ابوذر روایت شده که گفت: به رسول خدا (ص) عرض کردم یا رسول الله آیا شب قدر شبی است که در عهد انبیاء بوده و امر به آنان نازل می‌شده و چون از دنیا می‌رفتند نزول امر در آن شب تعطیل می‌شده است؟ فرمود: «نه بلکه شب قدر تا قیامت هست.» (۳)

عظمت شب قدر

در سوره قدر می‌خوانیم: «انا انزلناه فی لیلة القدر وما ادریک ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من الف شهر.» خداوند متعال برای بیان عظمت شب قدر با این که ممکن بود بفرماید: «وما ادریک ما هی هی خیر من الف شهر» یعنی با این که می‌توانست در آیه دوم و سوم به جای کلمه «لیلة القدر» ضمیر بیاورد، خود کلمه را آورد تا بر عظمت این شب دلالت کند. و با آیه «لیلة القدر خیر من الف شهر» عظمت این شب را بیان کرد به این که این شب از هزار ماه بهتر است. منظور از بهتر بودن این شب از هزار ماه، بهتر بودن از حیث فضیلت عبادت است. چه این که مناسب با غرض قرآن نیز چنین است. چون همه عنایت قرآن در این است که مردم را به خدا نزدیک و به وسیله عبادت زنده کند. و احیاء یا عبادت آن شب از عبادت هزار ماه بهتر است.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چگونه شب قدر از هزار ماه بهتر است؟ (با این که در آن هزار ماه در هر دوازده ماهش یک شب قدر است).

حضرت فرمود: « عبادت در شب قدر بهتر است از عبادت در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد.» (۴)

وقایع شب قدر

الف- نزول قرآن.

ظاهر آیه شریفه « انا انزلناه فی لیلة القدر» این است که همه قرآن در شب قدر نازل شده است و چون تعبیر به انزال کرده که ظهور در یکپارچگی و دفعی بودن دارد نه تنزیل، که ظاهر در نزول تدریجی است.

قرآن کریم به دو گونه نازل شده است:

۱- نزول یکباره در یک شب معین.

۲- نزول تدریجی در طول بیست و سه سال نبوت پیامبر اکرم (ص).

آیاتی چون «قرانا فرقناه لتقراه علی الناس علی مکث ونزلناه تنزیلا.» (اسراء / ۱۰۶) نزول تدریجی قرآن را بیان می‌کند.

در نزول دفعی (و یکپارچه)، قرآن کریم که مرکب از سوره‌ها و آیات است یک دفعه نازل نشده است بلکه به صورت اجمال همه

قرآن نازل شده است چون آیاتی که درباره وقایع شخصی و حوادث جزئی نازل شده ارتباط کامل با زمان و مکان و اشخاص و احوال خاصه‌ای دارد که درباره آن اشخاص و آن احوال و در آن زمان و مکان نازل شده و معلوم است که چنین آیاتی درست در نمی‌آید مگر

این که زمان و مکانش و واقعه‌ای که درباره‌اش نازل شده رخ دهد به طوری که اگر از آن زمان‌ها و مکان‌ها و وقایع خاصه صرف

نظر شود و فرض شود که قرآن یک باره نازل شده، قهرا موارد آن آیات حذف می‌شود و دیگر بر آنها تطبیق نمی‌کنند، پس قرآن به

همین هیئت که هست دوبار نازل نشده بلکه بین دو نزول قرآن فرق است و فرق آن در اجمال و تفصیل است. همان اجمال و

تفصیلی که در آیه شریفه «کتاب احکمت اياته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر.» (هود / ۱) به آن اشاره شده است. و در شب قدر قرآن

کریم به صورت اجمال و یکپارچه بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد و در طول بیست و سه سال به تفصیل و به تدریج و آیه به آیه نازل

گردید.

ب- تقدیر امور.

خداوند متعال در شب قدر حوادث یک سال آینده را از قبیل مرگ و زندگی، وسعت یا تنگی روزی، سعادت و شقاوت، خیر و شر،

طاعت و معصیت و... تقدیر می‌کند.

در آیه شریفه «انا انزلناه فی لیلة القدر» (قدر / ۱) کلمه «قدر» دلالت بر تقدیر و اندازه‌گیری دارد و آیه شریفه «فیها یفرق کل امر

حکیم.» (دخان / ۶) که در وصف شب قدر نازل شده است بر تقدیر دلالت می‌کند. چون کلمه «فرق» به معنای جدا سازی و

مشخص کردن دو چیز از یکدیگر است. و فرق هر امر حکیم جز این معنا ندارد که آن امر و آن واقعه‌ای که باید رخ دهد را با تقدیر و

اندازه‌گیری مشخص سازند. امور به حسب قضای الهی دارای دو مرحله‌اند، یکی اجمال و ابهام و دیگری تفصیل. و شب قدر به

طوری که از آیه «فیها یفرق کل امر حکیم» برمی آید شبی است که امور از مرحله اجمال و ابهام به مرحله فرق و تفصیل بیرون می آیند.

ج- نزول ملائکه و روح.

بر اساس آیه شریفه «تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر» (قدر / ۴) ملائکه و روح در این شب به اذن پروردگارش نازل می شوند. مراد از روح، آن روحی است که از عالم امر است و خدای متعال درباره اش فرموده است «قل الروح من امر ربی» (اسراء / ۸۵) در این که مراد از امر چیست؟ بحث های مفصلی در تفسیر شریف المیزان آمده است که به جهت اختصار مبحث به دو روایت در مورد نزول ملائکه و این که روح چیست بسنده می شود.

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقتی شب قدر می شود ملائکه ای که ساکن در «سدره المنتهی» هستند و جبرئیل یکی از ایشان است نازل می شوند در حالی که جبرئیل به اتفاق سایرین پرچم هایی را به همراه دارند.

یک پرچم بالای قبر من، و یکی بر بالای بیت المقدس و پرچمی در مسجد الحرام و پرچمی بر طورسینا نصب می کنند و هیچ مؤمن و مؤمنه ای در این نقاط نمی ماند مگر آن که جبرئیل به او سلام می کند، مگر کسی که دائم الخمر و یا معتاد به خوردن گوشت خوک و یا زعفران مالیدن به بدن خود باشد. (۵)

۲- از امام صادق علیه السلام در مورد روح سؤال شد. حضرت فرمودند: روح از جبرئیل بزرگتر است و جبرئیل از سنخ ملائکه است و روح از آن سنخ نیست. مگر نمی بینی خدای تعالی فرموده: «تنزل الملائکة والروح» پس معلوم می شود روح غیر از ملائکه است. (۶)
د- سلام و امنیت.

قرآن کریم در بیان این ویژگی شب قدر می فرماید: «سلام هی حتی مطلع الفجر» (قدر / ۵) کلمه سلام و سلامت به معنای عاری بودن از آفات ظاهری و باطنی است. و جمله «سلام هی» اشاره به این مطلب دارد که عنایت الهی تعلق گرفته است به این که رحمتش شامل همه آن بندگان بشود که به سوی او روی می آورند و نیز به این که در خصوص شب قدر باب عذابش بسته باشد. به این معنا که عذابی جدید نفرستد. و لازمه این معنا این است که در این شب کید شیطان ها هم مؤثر واقع نشود چنانکه در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است.

البته بعضی از مفسرین گفته اند: مراد از کلمه «سلام» این است که در شب قدر ملائکه از هر مؤمن مشغول به عبادت بگذرند، سلام می دهند.